

عناصر فرهنگ ساز در مرصاد العباد

حسینعلی سرحدی^۱

^۱دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان

چکیده

نجم الدین رازی از عارفان برجسته‌ی ایرانی است که در اوخر قرن ششم و نیمه قرن هفتم می‌زیست. شعراء و نویسنده‌گان بر حسب شرایط زمان و مقتضیات حیات خود رسالت خویش را که همانا فرهنگ سازی است به گونه‌های مختلف پیش می‌برندند، نجم الدین رازی برای رسیدن به جامعه‌ای آرمانی و عاری از ظلم و ستم نگرشی اسوه گرا ارائه می‌کند. با توجه به اوضاع و شرایط حکومت در زمان نجم الدین وی نمی‌توانست صراحةً از ارکان حکومت انتقاد کند بنابراین برای آنکه بتواند نصوبی ری جامع از حکومت ارائه دهد و به نقد آن بپردازد پس از بیان برخی از ویژگی‌های حکومت داود و سلیمان پادشاه را به جای ایشان می‌نشاند و بی‌آنکه معلوم کند منظورش از پادشاه کدامیک از فرمانروایان روزگار خویش است به صورت مطلق به ذکر وظایف پادشاه و وزیر و نکوهش لغزش‌ها و کجری‌های حکومت و کارگزاران آن می‌پردازد. رعیت پروری و عدالت محوری را مهمترین رکن حکومت صالح می‌داند و معتقد است نظام هستی دستگاهی منظم و به هم پیوسته است که همگی برای معرفت جویی انسان آفریده شده است. از دیگر دغدغه‌های صاحب مرصاد العباد ساماندهی زندگی اجتماعی و مبارزه با بی‌عدالتی است که در جامعه آن روزگار بیداد می‌کند. وی برخلاف سایر عرفان و صوفیه در مسائل سیاسی و اجتماعی نظرات تامل برانگیز و ویژه‌ای دارد.

واژه‌های کلیدی: مرصاد العباد، فرهنگ سازی، اسوه گرایی، رعیت پروری، عدالت

مقدمه :

نجم ادین ابوبکر محمد رازی از نویسندهای نامدار ایرانی است که در سال ۵۷۳ هجری قمری در ری بدنیا آمد و به سال ۶۵۴ در بغداد دیده از جهان فرو بست . (رازی، ۱۳۸۶، ۱۴) معروفترین اثرش مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد است، که آیینه‌ی تمام نمای هنر و اندیشه‌ی این عارف گرانقدر است .

تفاوت عمدی نجم الدین با بسیاری خانقاہ نشینان خلوت گزین در این است که وی ساماندهی زندگی اجتماعی و ستیز با کجروی و بیدادگری را بر گوشه‌ی عزلت نشستن ترجیح می‌دهد .

عرفان و تصوفی که نجم الدین رازی به تبلیغ آن می‌پردازد عرفان اعراض صرف از دنیا نیست بلکه به مباحث جامعه نیز توجه دارد ، چنانکه آخرین باب مرصاد العباد را به سیر و سلوک گروههای مختلف اختصاص داده و از هر حرفة راهی به خدا نشان می‌دهد . نجم الدین رازی به رغم اندیشه‌های مجرّدش در باب انسان بر زندگی این جهانی و تعامل میان آدمیان و هم یاری آنان تأکید می‌ورزد. به سخن دیگر در عین حال که به خلوت گزینی و ازوا اعتقداد دارد، به رفتارهای اجتماعی انسان نیز بی توجه نیست و ناگزیر به قلمرو حکومت و عملکرد سیاسی و اجتماعی انسان وارد می‌شود. انسان در روزگار مولف در جامعه بی زندگی میکندکه قدرتمندان تمامی ثروت های آن را در اختیار دارند و مردم را از آن محروم کرد ه اند. از آن روی که آدمی برای رسیدن به مقام انسان؛ یعنی کمال و فرشتگی خود باید از نعمتهای الهی متنعم گردد زمینه‌ی مساعد و مناسب برای رشد خویش فراهم آورد، ناگزیر باید از حکومت و تعامل مردم با آن سخن گفت تا حقوق انسان در جامعه بی که در آن زندگی میکند، تعیین شود و میزان آرامش و اطمینان او به مثابة عاملی تعیین کننده در رشدش ارزیابی گردد.

حکومتهای آن عصر همگی در گرداد فساد و تباہی و ظلم و ستم غوطه ور بودند و حتی حمله‌ی مغول در نظر نجم الدین نتیجه‌ی شومی رفتار عدالت سوز و ستم گستر حکام بوده است . چه بسا با طرح یک جامعه‌ی آرمانی بر محور عدالت جویی و رعیت پروری با اهدافی متعالی خواهان برانگیختن برخی از صاحبان قدرت و ایجاد تحول در جامعه و نشان دادن افق های گشترده و سرچشمه‌های نورانی انسانیت متعالی بوده باشد . نجم الدین عدالت محوری و رعیت پروری را مهمترین رکن حکومت صالح می‌داند.

هدف اصلی در این پژوهش مشخص کردن مسائلی است که نجم ادین به عنوان عوامل فرهنگ ساز به آنها توجه کرده است وی بصیرت مشفقاته به صاحبان قدرت ، عدالت محوری ، نکوهش ستمگری ، دعوت به داد و دهش ، خدمت به مخلوق و در کل ساماندهی زندگی اجتماعی را رسالت خود می‌پندرد. نگارنده بر آن است تا براساس نوشه‌های نجم الدین در مرصاد العباد جلوه‌هایی از عناصر فرهنگ ساز را که به آنها توجه دارد بیان نماید .

پیشینه‌ی تحقیق :

بیشتر آثار نجم ادین رازی در چند دهه‌ی اخیر به چاپ رسیده است . مرصادالعباد در سده‌ی اخیر چندین بار براساس نسخه‌های گوناگون به صورت چاپ سنگی یا سربی به طبع رسیده است و آخرين بار دکتر محمد امین ریاحی متن حاضر را بر اساس نسخه‌های معتبر از مجموعه‌های خطی ایران، ترکیه و وین تصحیح کردند و به همراه شرح و تعلیقات و فهرستهای مربوط در سال ۱۳۵۲ به چاپ رساندند. باید گفت مهم ترین پژوهش علمی و معتبر درباره نجم الدین رازی و اثر ارزشمند او مرصاد العباد مقدمه‌ی مفصلی است که ریاحی براین کتاب نوشه که از این منبع در پژوهش حاضر استفاده شده است . ایشان در صفحات ۱۲۳ تا ۱۲۶ مقدمه‌ی کتاب چاپ های پیشین را به اختصار معرفی نموده اند .

عوامل موثر در شکل گیری اندیشه نجم الدین :

اخلاق و عقاید نجم الدین رازی حاصل زندگی در شهرهایی مانند ری و خوارزم بود که هر کدام خود روزگار پر آشوبی را سپری کردند ، از یک سو ری پنهن زورآزمایی مذاهب مختلف از شیعه و سنی بود و از سوی دیگر در خوارزم علاءالدین محمد خوارزمشاه با ارادت به فیلسوف بزرگ آن عصر امام فخر رازی موجب اختلاف میان اهل حکمت و مشایخ و صوفیان شده بود و این دو محیط و شرایط حاکم بر آنها بر افکار و اعتقادت نجم الدین دایه تاثیر به سزاگی داشته است . در این میان از فاجعه بزرگ حمله مغول ها نیز نباید غفلت کرد که در احوال روحی شیخ تاثیر عظیمی داشت . (ریاحی، ۱۳۸۶: ۴۸)

ریاحی در مقدمه‌ی مرصاد العباد به نقل از جامی در نفحات، نجم الدین رازی را از اصحاب شیخ نجم الدین کبری می‌داند که تربیت او را حواله به شیخ مجددالدین کرده بود . این مطلب در سایر تذکره‌ها نیز اقتباس و نقل شده است . (همان: ۳۱).

در اینجا به اختصار عوامل موثر در شکل گیری اندیشه نجم ادین را توضیح می‌دهیم .

سفرهای نجم الدین :

از جمله آداب و مسائلی که همواره در دو جنبه ظاهری و باطنی مورد توجه صوفیه و عرفان بوده سفر است . نجم الدین برای بهره گیری علمی و کسب فیض از انفاس قدسی پیران طریقت ((از نواحی حجاز و مصر و شام و عراق و روم و آذربایجان و اران و خراسان دیدار کرده است)) (رازی، ۱۳۸۶: ۱۵).

هر چند بخشی از این سفرها نه سفر بلکه دربرداری و فرار در برابر یورش مغولان بوده است . مشاهده‌ی اوضاع نابسامان زندگی مردم و چشیدن تلح کامی‌ها و درد دل با آنان تجربیات گرانبهایی برای نجم الدین فراهم آورد .

محیط ری و تاثیر آن بر اندیشه‌ی نجم الدین

ری زادگاه نجم الدین از دیرباز یکی از کانون‌های پرآشوب و فتنه خیز در عرصه‌های سیاسی ، اجتماعی و فکری بود . حضور شیعیان و اهل سنت هر کدام با گرایش‌های گوناگون کلامی و فقهی از یک سو و برخی اقلیت‌های دینی از سوی دیگر در کنار جبهه گیری ارباب قدرت و منفعت جویی و مصلحت اندیشه‌ی سیاسی و اقتصادی آنان بستر لازم را برای برخورد آرا و افکار گوناگون فراهم می‌کرد . در این باره نویسنده‌ی کتاب ری باستان می‌گوید ((یکی از مصیبتهایی که مردم آن روزگار با آن دست به گریبان بوده اند موضوع اختلافات آرای دینی و شکوک مذهبی است و گویی از میان بلاد جهان قرعه‌ی فال این نوع منازعات را – بدان صورت که از آغاز پیدایی تا پایان آبادی آن دوام یافته و سرانجام سبب انهدام آن شده باشد – تنها به نام ری زدند)) (کریمیان، ۱۳۴۹: ۵۹)

بنابراین طبع لطیف نجم الدین بیش از دیگران از این آشوب‌ها آزده می‌شد و به فکر چاره‌ای می‌افتد که از هر راه ممکن از این فتنه‌ها و خون ریزیها پیش گیری نماید گویا نگارش اثر رمزی و نمادین رساله الطیور نخستین واکنش نویسنده دربرابر این آشفتگی‌ها و ناهنجاریهای سیاسی و اجتماعی است . به قول دکتر محمد امین ریاحی ((هدف نویسنده گزارش ستمدیدگی مردم ری به یکی از بزرگان است ... وی ارواح صدهزار مردم بیچاره‌ی ری را می‌بیند که به صورن مرغان به در و بام خانه‌ی او می‌آیند و یک طوطی که سخنگوی ستمدیدگان است از او می‌خواهد که تفصیل حال آنان را با نامه یا پیغام به حضرت سليمان یعمی باریتعالی برساند . آنها از دست ظالمان و زبون گیران در عذابند که مردم را گرفتار بالای عوانان ساخته اند)) ((نعم الدین رازی، ۱۳۶۲: ۸۵))

اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر نجم الدین

فضای سیاسی حاکم بر روزگار نجم الدین یکی از پیچیده‌ترین و بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخ ایران و عالم اسلامی است. غرب عالم اسلام که با جهان مسیحیت هم مرز بود از عصر سلوچیان بدین سو دستخوش جنگهای صلیبی گشته بود. شهرها و روستاهایی که صحنۀ درگیری بود پیوسته دست به دست می‌شد و بی‌ثباتی و هرج و مرج و پیامدهای شوم جنگ برسر آن دیار سایه افکنده بود. براین آشفتگی‌ها شکست فاطمیان به دست صلاح الدین ایوبی جدال بین خلافت عباسی و فاطمیان را نیز باید افزود. به هر حال شمار کسانی که بین سالهای ۵۵۰ تا ۶۱۷ (آغاز حمله مغول) بر شرق و غرب و مرکز ایران فرمان می‌رانند و عزل و نصب‌ها و تشکیل سلسله‌ها و فروپاشی حکومتها ناپایدار، نشان گر تلاطم بیش از حد جامعه‌ی ایرانی و قلمرو عالم اسلامی است. نجم الدین اوضاع پیش از یورش مغولان را با قتل و غارت و حشیان مغولی مقایسه کرد و چنین می‌گوید (تا این ضعیف در بلاد عراق و خراسان گاه در سفر و گاه در حضر بود از تعویقات و آفات و فتنه‌های گوناگون فراغت و فرست نمی‌یافت که بر اتمام آن (مرصاد العباد) اقدام نماید چه هر روز فتنه به نوعی دیگر ظاهر می‌شد که موجب نفرقه‌ی دل و توزع خاطر بود، خود گویی فتنه در آن دیار وطن دارد مع هذا بدان فتنه‌ها راضی نیودیم و قضای آسمان را گردن ننهادیم و با صبر و تسليم پیش نیامدیم و شکر نعمت دین و اسلام نگزاردیم و کفران نعمت مسلمانی کردیم تا لاجرم ناگاه صدمات سطوات در آن دیار و اهل آن دیار رسید و به شومی فسق فساق و ظلم ظلمه....دمار از آن ولایت و اهل آن ولایت برآورد. در تاریخ شهور سنه‌ی سبع و عشر و سته مائۀ لشگر مخدول کفار تтар استیلا یافت برآن دیار) (نعم الدین رازی (۱۳۸۶: ۱۶).

محتوای مرصاد العباد:

مرصاد العباد کتابی است که در آن یک دورۀ عرفان نظری به زبان فارسی و به نثر روان و مرسل تدوین شده است (موحدی ۱۳۷۸: ۱۵)

این اثر سرشار از نظریات عرفانی در زمینه‌ی مبدأ و نیز آرای علمی تصوف در زمینه‌ی معاش و معاد است و نجم الدین آن را همچون کمینگاه و محلی برای رصد و دیده بانی راه از مبدأ تا معاد برای بندگان خدا می‌داند. عرفان و تصوفی که نجم الدین رازی به تبلیغ آن می‌پردازد عرفان اعراض صرف از دنیا نیست بلکه به مباحث جامعه نیز توجه دارد، چنانکه آخرین باب مرصاد العباد را به سیر و سلوک گروههای مختلف اختصاص داده و از هر حرفه راهی به خدا نشان می‌دهد.

نعم رازی در پی پیوند سیاست با عرفان است و دیدگاه او برخلاف گروهی اند که معتقدند عرفان به دلیل دوری گزیدن از دنیا و ترویج زهد و عزلت کاری به اجتماع و مسائل سیاسی ندارد بلکه او در پی دینی کردن سیاسیون و اندیشه‌ای سیاسی است.

هویت ساری فرهنگی نجم الدین در مرصاد العباد

اسوه گرایی: اولین جلوه‌ی اندیشه نجم الدین در زمینه فرهنگ سازی اسوه گرایی است که ریشه در آموزه‌های قرآنی و آرمان خواهی نویسنده دارد، به ویژه آنکه حکومتهای آن عصر همگی در گرداد فساد و تباہی و ظلم و ستم غوطه ور بودند و حتی حمله‌ی مغول در نظر نجم الدین نتیجه‌ی شومی رفتار عدالت سوز و ستم گستر حکام بوده است.

چه بسا با طرح یک جامعه‌ی آرمانی بر محور عدالت جویی و رعیت پروری با اهدافی متعالی خواهان برانگیختن برخی از صاحبان قدرت و ایجاد تحول در جامعه و نشان دادن افق‌های گشترده و سرچشمۀ‌های نورانی انسانیت متعالی بوده باشد. وی ابتدا با رویکردی تأویلی به قصه‌ی داود و وی را به عنوان پیامبری که مدتی بر جامعه عصر خویش فرمان رانده است بر می‌گزیند و برخی از آیات مربوط به سرگذشت او را به صورت تأویل گونه تفسیر می‌کند.

بديهي است که داود به عنوان انسان كامل عصر خويش و با تکيه بر جايگاه ديني (مقام نبوت) و قدرت دنيوي (مقام پادشاهي) مجموعه ی امكانات مادي و معنوی لازم را برای سلوک الى الله و تجلی بخشیدن و تحقق مقام خليفه الهی دارد و به همين جهت دشوارترین عقبه ها و مهالك راه نيز پيش روی اوست .

وی معتقد است که سليمان از خداوند ملک خواست اما نبوت نخواست و بر این ادعا پنج دليل ذکر می کند که دلائل اول و پنجم من بدین شرح است ((سلیمان از این نظر ملک خواست و علم نبوت نخواست و در این چندین حکمت بود ، اول آنکه دانست که چون مملکت تمام باشد ، نبوت و علم در آن داخل باشد پنجم آنکه مملکت و سلطنت پرورش صفات ذمیمه و حمیده را کاملترین الٰتی است و عظیم ترین عدتی تا نفس اگر بدين آلات پرورش دهند در صفات ذمیمه به مقامی رسد که دعوی خدایی کند دو این نهایت صفات ذمیمه است و بدین در که جز بدین آلات نتوان رسید و همچنانی نفس را اگر بدین آلات در صفات حمیده پرورش دهند ، به مقامی رسد که متخلق به اخلاق حق شود و متصف به صفات ربوبيت گردد و اين نهايت صفات حمیده در کمال دين است و به کمال اين اخلاق جز به الٰت مملکت و سلطنت نتوان رسید (رازي ، ۱۳۸۶ ، ۴۱۷):

بنابراین پس از بیان برخی از ویژگی های حکومت داود و سليمان پادشاه را به جای ایشان می نشاند و بی آنکه معلوم کند منظورش از پادشاه کدامیک از فرمانروایان روزگار خویش است به صورت مطلق به ذکر وظایف پادشاه و وزیر و نکوهش لغزش ها و کجری های حکومت و کارگزاران آن می پردازد .

نجم الدین برای آنکه بتواند تصویری جامع از اوضاع حکومت ارائه دهد و به نقد آن بپردازد همه چيز را از زاویه حقوق می نگرد . حق نفس ، حق مردم و حق الهی بر پادشاه . تامین هریک از این حقوق وظائفی را بدبناه دارد ((بدان که پادشاه را سه حالت است : اول حالت او با نفس خویش ، دوم حالت او با رعایا ، سیم حالت او با خدای خویش و او در هر حالتی مامور است از حضرت عزت به سه چيز و منهی به سه چيز . مامور است به عدل و احسان و ایتاء ذی القربی و منهی است از فحشاء و منکر و بغي و در حالتی این ها را معنی دیگر است ، مناسبت آن حالت . (همان : ۴۳۲))

عدالت

نجم الدین پرهیز از هرگونه افراط و تفریط را از ضرورتهای رفتار عادلانه بر می شمرد و انتظار دارد که حتی کيفر بزهکاران و ناراستان نيز به اندازه جرمشان باشد ، تا نه به يکباره حکومت به سهل انگاری و بی كفايني متهم شود و نه به خشونت و استبداد دچار گردد و برای اينکه عدالت در ارکان جامعه موم به مو اجرا شود پيشنهادهای دارد . از جمله در تفسير بخشی از آيه سوره (ص) می گويد: چهارم فرمود فاحکم بين الناس بالحق اشارت است بدانچه پادشاه باید که حکومت گزاری ميان رعایا به نفس خود کند و تا تواند احکام رعیت به دیگران باز نگذارد که نواب حضرت و امرای دولت را آن شفقت و رأفت و رحمت بر رعایا که پادشاه را باشد نتواند بود ...)

يا در مورد به کار گيري والی و قاضی می گويد ((دیگر بر پادشاه واجب است که چون با شهری يا ولايتي شحنه ای يا والی فرستد ، کسی عاقل متمیز دیندار فرستد که در وی سیاست و دیانت و مروت بود ظالمی نباید که همه خون رعیت ریزد و غافلی نباید که مصالح رعیت مهم مگذارد . دیگر چون قاضی به شهری و ولايتي فرستد ، باید که عالم و عاقل و دیندار و صالح فرستد که دست کشیده دارد از مال ایتمام و مواريث و اوقاف و رشوت و امثال این)) (رازي ، ۱۳۸۶: ۶۴۲)

برای تحقق عدالت در جامعه ، گزینش گزینش کارگزاران شایسته را بسنده نمی بیند بلکه پس از انتخاب افراد صالح و کارآمد نظارت دائمی پادشاه را خواستار است و اين نکته را چندید بار تأکید می کند از جمله (چون پادشاه تتبع احوال هر طایفه ای کند و از معاملات هر صاحب عمل و صاحب حکم با خبر باشد درد مسلمانی دامن جان او گرفته باشد تا در ممالک او حیفي و ظلمی نرود ، کارها زود به صلاح باز آيد و نا اهلان اهل گردد)) (همان : ۶۴۲)

رعیت پروری

نجم الدین عدالت محوری و رعیت پروری را مهمترین رکن حکومت صالح می دارد و معتقد است ((رعیت شاه را به مثبت قربات اند بلکه به جای اهل و عیال)) پس حق گزاری آنان واجب است (همان: ۴۶۶) و نیز می گوید فحشا و منکر و بغي وقتی صورت می بندد که شاه در میان مردم ((به فسق و فجور زندگانی کند و مردم را به فساد سوق دهد و تباہی در عصرش قوت گیرد)) (همان: ۴۳۹)

او با بهره گیری از یک تشییه شاه را شبان و مردم را رمه ای او می شمارد و وظیفه شاه را یادآوری می کند که رهایی رمه از چنگال گرگ است و از او می خواهد اگر در رمه ((بعضی قوچ با قرن باشند و بعضی میش و بی قرن ،صاحب قرن خواهد که بر بی قرن حیفی کند و تعمدی نماید ،آفت او زایل کند))(همان: ۴۳۸) به نظر او شاه وقتی عادل است که در میان رعایا انصاف بگسترد و سویت نگه دارد ((تا قوی بر ضعیف ستم نکند و محتشم بر درویش بار ننهد)) (همان: ۴۳۵)

تشییه حکومت به اعضا و جوارح انسان

او اجزای نظام حکومت را به اعضای بدن انسان تشییه میکند. بنابراین، حکومت از دید او ساختاری است که تمامی اجزا و عناصر آن باید برای ایفای درست نقش خود هم با خود و هم با کل نظام، در تعامل باشند. زیرا چنانچه اجزای آن از ایفای نقش خود باز مانند، آن نظام برپای نمیماند و به سرعت سقوط میکند. نجم الدین رازی در تشییه حکومت به بدن انسان، از اندیشه آرمانگرایانه فارابی در ساخت مدینه فاضله تأثیر پذیرفته است. فارابی معتقد بود ه است((مدینه فاضله، شبیه بدن است. بدنی که کامل و صحیح باشد و همه اعضای مختلفه آن برای تقسیم حیات حیوانی و حفظ آن، کار خود را به نحو درستی انجام دهد.)) الفا خوری، ۱۳۵۸: ۴۳۷)

به هر روی نجم الدین رازی حکومت را نظام یا مجموعه ای میداند که از یک سلطان، که در راس امور قرار دارد از وزیر و نیز کارگزاران و رعایا تشکیل شده است که همه ای این عناصر با اجزا و بدن قابل تطبیق اند . مستوفی و مشرف و ناظر و عارض و منشی و حاجب و خازن و استادالدار و جملگی عمله به مثبت حواس خمسه اند و حسن مشترک و قوای بشری چون چشم و گوش و زبان و بینی و لمس و فکر و خیال و فهم و حافظه و ذاکره و دیگر قوا و امرا به مثبت سر و دست و پای و اعضای رئیسه اند چون جگر و شش و سپر ز و زهره و غیر آن چنانک شخص انسانی بدين جمله محتاج است و اگر از این ها یکی نباشد ، کار مملکت بدان مقدار نقصان پذیرد و اگرچه حال را بنماید)) رازی (۱۳۸۶، ۴۵۲)

پند و اندرز به پادشاه و وزیر و دیگر کارگزاران حکومت

پند و اندرز به پادشاه: به نظر نجم الدین رازی، از آن جا که نفس آدمی خوپذیر است، شاه که اد ارء امور را در دست دارد، باید بی خردان و غرضورزان را به خود راه دهد تا مبادا القات آنان مؤثر واقع گردد و به دست او بر مردم ستم رود و اوضاع کشور نابه سامان گردد. به سخن دیگر، شاه باید به عاقبت کار بیاندیشد و از مشاورانی که او را به بدی سوق می دهند، بپرهیزد تا از دعای خیر هزاران مظلوم مستحق محروم نگردد و اسباب نفرین آنان را فراهم نیاورد. (همان : ۴۵۸) سعایت درباریان نسبت به هم، یکی از مسائلی بوده که از دیرباز، دربارها را به فساد و تباہ کاری آلوده میکرده است. نجم الدین رازی به این مسأله توجه دارد و شاه را از شنیدن سخن ساعی بر حذر می دارد و می گوید

((و سخن بعضی در حق بعضی، بی بینت و احتیاط تمام نشنود که جمعی به حسد، امینان را در صورت خیانت فرا نمایند و مشفقات را به خیانت منسوب گردانند و بر مخلصان تهمت ها نهاند)) (همان : ۴۵۳)

افراط و تغیریط در امور نیز سبب آشفتگی مردم و نا به سامانی ملک میگردد. بنابراین شاه باید در سیاست، چندان مبالغت کند که مردم هراسان گرددند و از ترس به مکر و حیله متولّ شوند و نظم را بر آشوبند. شاه باید میان سخاوت و بخل، راهی میانه

برگزیند؛ نه چندان سخاوت نماید که ((به اسراف و اتلاف و تبذیر انجامد)) و نه در حفظ مال تا بدانجا کوشد که ((به بخل و ضنّت منصوب گردد)) (همان : ۴۵۵)

پند و اندرز به وزیران

نجم الدین رازی، وزارت را که به گفته خواجه نصیر طوسی، هیچ کار سخت تر از آن نیست، (نصیرالدین طوسی ، ۱۳۶۴: ۳۱۸) ((تلو سلطنت و رکن اعظم مملکت)) می داند و می گوید ((هیچ پادشاه را از وزیر صالح صاحب رای مشفق کافی داهی عالم عامل، چاره نیست)) (نعمت الدین رازی ، ۱۳۸۶ : ۴۶۵)

وزیر گذشته از آن که باید دارای اوصاف فوق باشد، مشاور شاه است و چون شاه در همه احوال ملک، از هم فکری او بهرهمند می گردد، ناگزیر باید شایستگی مشاورت داشته باشد و از آنجا که تمام ((ارکان دولت و نواب حضرت و عامت رعیت)) به وی مراجعه می کنند باید اصلاحیت علم کافی و از این ها گذشته از حلم میز بهره مند باشد .

نعمت الدین رازی با توجه به قدرت مطلق و خودکامگی شاهان از وزیر می خواهد به تخطئة سخن شاه که خود را دارای فریادنی می داند دست نیازد (همان : ۴۷۰) اما در عین حال میافزاید که وزیر نباید از گفتن کلمه حق باز ماند بلکه باید فرست مناسب و احوال شاه را برای عرضه داشت حقیقت در نظر گیرد و ((به قدر وسعت، آن چه حق و صواب و صلاح باشد در نهاد او می نشاند به لطایف الحیل... تا طریق راستی و اخلاص بربزیده باشد)) (همان : ۴۷۱)

وزیران در شکل دادن به جنگ و صلح نقشی تعیین کننده داشته اند . نجم الدین رازی می گوید وزیر اگر می تواند خصم را با صبر و ((سکونت و تدبیر صالح و رای صایب)) از جنگ منصرف کند ، نباید شاه را به جنگ ترغیب نماید. زیرا در همه حال ((الصلحُ خیر)) (همان : ۴۷۲) اما اگر مملکت مورد تهاجم قرار گیرد و جان و مال و ناموس مردم به خطر افتاد و راهی جز مقابله با مهاجمان باقی نماند، شاه را از قتال نترساند و به دفاع از مملکت برانگیزد. مخصوصاً اگر جنگ با کفار باشد و شاه بترسد، باید او را تشجیع نماید ((و خوف از دل او بردارد و او را به خدای امیدوار و مستظههر گرداند)) (همان : ۴۷۳) نجم الدین رازی مثلثی از تعامل وزیر با خدا، شاه و مردم ترسیم می کند و می گوید وزیر، اول با خدای مرتبط است، سپس با شاه و سرانجام با مردم . وزیر باید بلند همت باشد و از رعیت، خدمت و رشوه طمع نداشته باشد و بر عکس((پیوسته نتیجه کرم و مروت خود به ایشان می رساند)) (همان : ۴۷۵)

نعمت الدین رازی معتقد است که وزیر در تعامل با مردم، نباید جانب خدای را مهمل گذارد زیرا تنها در این صورت است که از یاری خداوند بر خوددار خواهد شد. وزیر برای جلوگیری از تفرقه در حکمرانی، باید در تعامل با شاه، ظاهر و باطن خود را یکسان نماید و بی غل و غش، به راه بردن امور مشغول باشد و دور وی نورزد. به گونه ای که در نزد شاه برای خوش آمد او چیزی گوید و در غیاب او به بد گویی او مشغول گردد و او را بر سر زبان ها اندازد. گاهی وزیر به طمع خود بر کسی ستم رو ا می دارد و از برآوردن خواست او ابا می کند. اما در این رابطه شاه را مقصراً قلمداد می کند که به نظر نجم الدین رازی، ان نیز جز نفاق چیزی نیست .

لغزش ارباب نعم و اصحاب اموال

نعمت الدین معتقد است که لغزش های ارباب نعم و اصحاب اموال ، رؤسا و اصحاب اموال و اهل تجارت و پیشه وران نیز بازتابی اجتماعی دارد و از آنجا که طبقات مزبور، از قدرت اقتصادی و موقعیت برتر اجتماعی برخوردارند . به عنوان گروه دوم از خواص جامعه، مشمول نگاه آسیب شناسانه ای نجم الدین می گردد . مثلاً ((در بیان سلوک ارباب نعم و اصحاب اموال)) ده صفت ناپسند از قبیل : طغیان ، بگی ، اعراض (روگرانی از خدا) ، کبر و عجب تفاخر ، تکاثر ، مشغولی ، بخل ، تبذیر و غرور را به عنوان موانع سلوک این طایفه بر می شمرد . در مقابل ده خصلت پستدیده را از لوازم سلوک ایشان می داند که عبارتند از : علو همت

، عفت ، توجه به حق ، شکر ، تواضع ، سخاوت ، فراغت ، تقوی ، قوام (نگاه داشتن اعدال) و تسلیم و رضا (نجم الدین رازی (۱۳۸۶: ۵۰۳-۵۰۹)،

خدمت به هم نوع

به رغم آن که نجم الدین رازی عبادت و عشق را از ارکان نظریه عرفانی و معرفت شناسی خود قرار داده، و عبادت را هم مانند عشق از وسائل معرفت و وصول دانسته، گاه خدمت به هم نوع را از سبوحی و قدوسی برتر می داند و می گوید ((به عز خداوندی که در مدّت عمر او در آن جهان اگر یک بار بر سر چاهی دلوی آب در سبوی پیرزنی کند او را بهتر از آنک صدهزار سال در حظاییر قدس به سبوحی و قدوسی مشغول باشد)). (همان: ۱۱۰) نجم الدین رازی به رغم اندیشه های مجردش در باب انسان بر زندگی این جهانی و تعامل میان آدمیان و هم یاری آنان تاکید می ورزد. به سخن دیگر در عین حال که به خلوت گزینی و انزوا اعتقاد دارد، به رفتارهای اجتماعی انسان نیز بی توجه نیست و ناگزیر به قلمرو حکومت و عملکرد سیاسی و اجتماعی انسان وارد می شود.

کرامت انسانی :

انسان شریف ترین آفریده خداوند و به فرموده قرآن خلیفه اوست بر روی زمین (سوره بقره آیه ۳۰). انسان از آن روی اشرف مخلوقات دانسته شده که می اندیشد، نماد، مفهوم و فرهنگ می سازد و ذهنی پیچیده دارد و بنابراین رفتارهایی شگفت و در عین حال سخت در هم باfte و با انگیزه های متفاوت، از وی سر م یزند. انسان تنها موجودی است که این همه توانایی دارد و بر این داشته های خود آگاهی نیز دارد. عرفان اسلامی انسان را به رغم ستم هایی که فرمان روایان متکبر و خود کامه، بر وی روا می داشتند، عزیزترین گوهر صدف وجود به شمار می آورد. چرا که در عرفان اسلامی (انسان به صورت خدا آفریده شده است)) (نصر: ۱۳۸۲، ۶:)

یکی از کسانی که مساله انسان را در مرکز اندیشه خویش قرار داده و اثر نسبتاً حجیمی برای شناخت او پدید آورده، نجم الدین رازی است. او کتاب ارزشمند خود، مرصادالعباد، را به داستان دلکش و به هم پیوسته بی از سرگذشت بشر، از آغاز تا انجام، تبدیل کرده، سبب پیشرفت انسان شناسی عصر خویش گشته است. در جهان بینی عرفانی نجم الدین رازی جهان چون دایره بی است که خداوند در مرکز آن قرار دارد و انسان بهترین آفریده او و بنابراین مهم ترین عنصر هستی به شمار می آید ((مقصود و خلاصه جملگی آفرینش وجود انسان بود و هر چیزی را که وجودی است از دو عالم، به تبعیت از وجود انسان است و اگر نظر تمام افتاد، باز بیند که خود وجود همه انسان است) (نعم رازی، ۱۳۸۶: ۲:) در نگاه او انسان تنها موجودی است که بی وسایط آفریده شده است. زیرا روح او به اشارت (کن) و قالب وی بی واسطه ای ((خرمت طینه)) به وجود آمده و ازدواج روح و قالب او بی واسطه (نفخت فیه من روحی) صورت پذیرفته است. انسان بدین دلیل و نیز به دلیل ترکیب ویژه اش از فرشته و ملایکه که (اطفال نوآموز دیبرستان آدم اند) برتر شمرده می شود.

مؤلف مرصاد العباد، برای نشان دادن یکی دیگر از وجوده برتری انسان می گوید انسان تنها موجودی است که می تواند خود، خدا و هستی را بشناسد. به همین دلیل ابزار این معرفت در وی تعییه و او کنگکاو آفریده شده است. به گفته وی وقتی انسان را امتحان کردند (تا او خود غذای خود باز خواهد شناخت؟ گفتند ای آدم درین بهشت رو و هر چه خواهی م یخور. لیکن گرد آن درخت مگرد و او به فرمان گرد آن درخت نمی گشت. اما نفس او با هیچ طعام انس نمی گرفت و میلش بدان میبود. همچنان که اسب را توبه جو از دور بنهند و قدری کاه در پیش او کنند که این می خور و گرد توبه جو مگرد، او به حکم ضرورت کاه می خورد و همگی میل و قصد او سوی جو باشد و او را پای بند نهاده باشند نتواند که به نزدیک جو . بشود. تا آن که کسی بباید، بند از او بردارد)) (همان: ۱۴۹) و این ضرورت زندگی اوست که باید بند از پای خویش بگشايد تا آزادانه به آن

چه میل و اراده اش بر آن تعلق گرفته، دست یابد . نجم الدین رازی با بیان این مطلب به یک تفاوت بینیادین انسان با تمام موجودات دیگر که خود حاصل تنافض درون اوست اشاره میکند تا نشان دهد که انسان نمی تواند از خواهش های طبیعی خود دست بردارد به گونه یی که حتی برای رسیدن به این خواست ها و کسب تجربه های تازه حاضر است بهشت را از دست بدهد. پس نزدیک شدن انسان بدان درخت نه از روی نافرمانی، بلکه از سر کنجکاوی بوده است. به همین دلیل پروردگار بر انسان برای انجام این فعل که به ارضی حس کنجکاوی اش منجر شد خشم نگرفت؛ بلکه سبب خشم خداوند بر وی این بود که چرا انسان به فرمان ابلیس و نه به فرمان درون و خواست خویش، به درخت نزدیک شده است.

استعداد انسان برای تحول و تکامل

((عرفان انسان سالار است و انسان را موجودی اصیل و با اراده، خلاق، خودیار، خودساز و دگرگون ساز خود و پیرامون خویش می شناسد)) (صاحب الزمانی، ۱۳۷۷: ۴۰۱) بنابراین انسان باید استعدادهایش را بشناسد و از آنها در راه کمال، استفاده نماید. زیرا نفس او ذاتاً و بالقوه مستعد آینگی است و برای رسیدن به کمال نیازمند تربیت است. پس برای رسیدن به کمال باید از مسالک و مهالک بسیار عبور کند و این ((جز به واسطه سلوک بر جاده شریعت و طریقت حق دست ندهد)) (نجم رازی، ۱۳۸۶: ۳) او در تمام هستی چیزی را جز نفس انسان که می تواند آیینه تمام نمای جمال حضرت الوهیت و مظہر تمام صفات او باشد، نمی شناسد. آدمی آیینه یی است که اگر صافی گردد به ((هر صفت که حضرت مستعد دریافت هر آن چه در برابر ش قرار گیرد، خواهد بود. پس برو تجلی کند. بر آن صفت درو متجلی شود. هر صفت که از آیینه ظاهر شود، تصرف صاحب تجلی بود، نه از آن آینه او را پذیرایی عکس آن بیش نیست، چون صافی شود .)) (همان: ۳۲۲)

نتیجه گیری :

تأملات عمیق نجم الدین در مفاهیم آیات قرآن و احادیث نبوی فرستی را فراهم کرده بود تا در جامعه‌ی سراسر جهله و خرافه پرستی که عرصه‌ی منفعت جویی گروهی دنیا پرست شده بود به نظر دقیق بنگرد و راه و روش درست زندگی کردن را در لابه لای اثر ارزشمند خود بگنجاند، در مکتب وی همگان می توانند مشتاقانه به سوی جلب رضایت محبوب قدم بگذارند و بر اساس آموزه های ارزشمند او راه را از بیراهه تشخیص دهند. در این مکتب هر کس می تواند به قدر وسع بکوشد و به اندازه‌ی گنجایش وجودی خود از سرچشمه‌ی زلال معرفت برخوردار گردد . دیدگاه نجم رازی بر خلاف گروهی است، که معتقدند عرفان به دلیل دوری گزیدن از دنیا و ترویج زهد و عزلت کاری به اجتماع و فرهنگ جامعه ندارد بلکه هدف او در لابلای بیان مسائل عرفانی تبیین فرهنگی پویا و در خور جامعه اسلامی است .

با عنایت به آنچه گذشت مشخص شد که مرصاد العباد در عرصه فرهنگ سازی از توان تعلیمی و تثبیتی فراوانی برخوردار است و در واقع به عنوان نمونه برجسته‌ی عرفان نیرویی تاثیر گذار در جهت تثبیت افکار، اعتقادات، معانی، ارزش‌ها و هنجار‌های جامعه‌ی آن روزگار دارا است .

منابع و مأخذ

قرآن کریم

الفاخوری، حنّا (۱۳۵۸)، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی ، مترجم عبدالحمد آیتی ، چاپ دوم ، تهران: انتشارات زمان رازی ، نجم الدین ابوبکر بن محمد (۱۳۶۲). رساله الطیور به تصحیح محمد امین ریاحی ، تهران: توس رازی ، نجم الدین ابوبکر بن محمد (۱۳۸۶) . مرصاد العباد، به اهتمام محمد امین ریاحی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی صاحب الزمانی، ناصرالدین (۱۳۷۷، خط سوم، تهران انتشارات عطایی طوسي، نصیر الدین (۱۳۶۴) ، اخلاق ناصري، به تصحیح مجتبی مینوی و علی رضا حیدري، چاپ سوم، تهران: انتشارات خوارزمی.

کریمیان ، حسین (۱۳۴۹). ری باستان ، تهران: انجمن آثار ملی
موحدی ، محمد رضا (۱۳۷۸) . تفاسیر عرفانی نجم الدین رازی ، نشریه گلستان قرآن ش ۱۱۶
نصر ، سیدحسن (۱۳۸۲، آموزه های صوفیان ، مترجم حسین حیدري و محمد هادی امینی ، تهران ، قصیده سرا